

مصاحبه رادیو "همراه" با رفیق سهیلا دهماسی

گوینده رادیو همراه: ۸ مارس سمبل تلاش بی وقفه زنان رزمنده برای نابودی ستم و به دست آوردن آزادی است. همانگونه که قبلاً به شما دوستان عزیز قول داده بودیم، در این لحظه رفیقمان سهیلا دهماسی از اعضای "اتحاد زنان آزادیخواه" و یکی از فعالین چریک های فدایی خلق را در ارتباط مستقیم از کانادا داریم. درود ما را بپذیرید رفیق سهیلا!

سهیلا دهماسی: زنده باشید. من هم سلام می کنم خدمت شما و شنوندگان گرامی تون. سپاس **گوینده:** ما خوش آمد می گیم به شما برای اینکه با صدای "همراه"، همراه هستید.

پاسخ: سپاسگزارم از دعوت تون به برنامه رادیویی شما که فرصتی است تا با هم صحبت کنیم در مورد روز جهانی زن.

گوینده: بله. رفیق سهیلا امسال و در شهر تورنتو کانادا مراسمی رو در بزرگداشت روز جهانی زن برگزار کردید که ما از هفته پیش اعلام کردیم که شما این مراسم رو دارید. به ما و شنوندگان ما بگید که این مراسم چگونه برگزار شد؟ و آیا به اهدافی که در برگزاری این مراسم داشتید، رسیدید یا نه؟

پاسخ: بله، دیروز در تورنتو، مراسمی داشتیم برای گرامیداشت روز جهانی زن و تم و هدف اصلی این مراسم، بررسی وضعیت زنان کارگر و دیگر زنان زحمتکش و تحت ستم در ایران بود. این مراسم با یاد و قدرانی از مبارزات زنان انقلابی دهه ۵۰، و دهه ۶۰ و زنان آگاهی که در خیزش توده ای سال ۱۳۸۸ شرکت داشتند، شروع شد. از زنان چریک فدایی خلق و زنان مبارز و انقلابی دیگر یاد شد که چون خودشون را در مبارزه برای کسب آزادی فدا کردند. و هدفی که ما از این مراسم دنبال می کردیم این بود که بر ضرورت مبارزه انقلابی و متحدانه زنان و مردان آگاه جامعه بر علیه نظام ضد خلقی حاکم یا فشاری بشه، و تأکید بشه که تنها راه رسیدن زنان و مردان تحت ستم به همه خواسته هایشان، اینه که باید مبارزه انقلابی متحدانه زنان و مردان آگاه جامعه تداوم پیدا کنه و این تنها راه رسیدن به آزادیه و همین طور تداوم این مبارزه تا سرنگونی سیستم موجود.

با توجه به استقبال خوب ایرانیان مقیم تورنتو از این مراسم، ارزیابی ما این بود که به اهدافی که دنبال کردیم رسیده ایم و تونستیم یک حرکت موفقیت آمیزی را سازمان بدیم. و آگه اجازه بدید در همین جا هم یکبار دیگر از همه افراد و ایرانیان مقیم تورنتو که با شرکت خودشون در این مراسم، مراسم گرامیداشت روز جهانی زن، ما رو در این امر یاری رسوندن تشکر کنم.

گوینده: خواهش می کنم. "اتحاد زنان آزادیخواه". میشه لطف کنید و یک کمی در رابطه با این تشکل بگید که دنبال چیست و چه اهدافی را دنبال می کنه؟

پاسخ: تشکل اتحاد زنان آزادیخواه در سال ۲۰۰۷ توسط تعدادی از زنان انقلابی فعال در جنبش زنان، منجمله رفقای زن چریک های فدایی خلق تشکیل شد. و ما با توجه به این واقعیت که با نگاهی که به مبارزات زنان ایران داشتیم، می دیدیم که جای آرمان ها و مطالبات زنان کارگر و ستمدیده خالیه و صدای آن ها اون طور که شایسته است پژواک داده نمی شه، مبادرت به شکل دادن به این تشکل کردیم، تا دست در دست هم بتونیم صدای زنان کارگر و زحمتکش رو هر چه بیشتر انعکاس بدیم. زنانی که از تحت ستم ترین موقعیت در درون جامعه برخوردارن و بدون تشکل و شرکت آگاهانه اون ها در جنبش و مبارزات انقلابی مردم ما بر علیه رژیم، امکان موفقیت (این مبارزات) وجود نداره.

اجازه بدید که الان که این سوال رو کردید من همین جا روی یک باور اصولی که اتحاد زنان آزادیخواه بهش معتقد، تأکید کنم و اون هم اینه که بدون شرکت زنان کارگر و زحمتکش، هیچ جنبش توده ای واقعی نمی تونه وجود داشته باشه.

گوینده: تشکر از شما رفیق سهیلا اگر امکان داره یک مقدار بلند تر صحبت بکنید چون صدا اینجا خیلی کمه.

پاسخ: باشه

گوینده: در آفیشی که شما بیرون دادید، آفیش تبلیغاتی تون، در یکی از شعارهای شما آمده بود که: هشت مارس سمبل بی وقفه مبارزه زنان رزمنده برای نابودی ستم و به دست آوردن آزادی است. آیا به نظر شما در جامعه ای که آزادی های فردی و جمعی، آزادی بیان و تشکل وجود نداره و دیکتاتوری حاکم هر حرکت اعتراضی و بر حق زنان را شدیداً سرکوب می کنه؛ و از طرف دیگر، زندان و

شکجه و اعدام نسبت به چند دهه ی اخیر، با شدت بیش تری در جریانه ، چگونه می توانیم در این جامعه، به آزادی برسیم؟ و به ویژه آزادی زنان؟

پاسخ: قبل از هر چیز بذارید تاکید کنم که در واقع آزادی واقعی هر جامعه منوط به آزادی زنانه. یعنی اگر در جامعه ای دیدیم که زنان آزاد نیستند شک نباید بکنیم که کل اون جامعه آزاد نیست و آزادی همه و از جمله زنان ، لگد مال سود خواهی و آز پرستی مثنی مالک و سرمایه دار طرفدار مالکیت خصوصی شده. با این تاکید، روشنه که ما برای رسیدن به آزادی و از جمله آزادی زنان، اون هم در شرایط ما که سرمایه داری انحصاری بر همه جهان حاکم شده، باید همه طبقات و اقشار و نیرو هائی که مخالف سلطه طبقات استثمارگر و این سرمایه داری انگل صفت هستند را متحد کرد، و با این اتحاد در جهت درهم شکستن این سلطه سرمایه داری انحصاری گام برداشته بشه. در همین کشورهای غربی هم که به اصطلاح دموکراسی بورژوایی تو اون ها پیاده شده، باز هم ما می بینیم که زنان به همه خواسته هاشون دست پیدا نکردن، و زن و مرد عملا و کلا به طور کامل برابر نیستند. این نشون می ده که رهائی زنها وابسته ست به نابودی نظام طبقاتی، و در دوران ما نظام سرمایه داری. بنابراین، در باره کشوری مثل ایران که نظام سرمایه داری وابسته به امپریالیست ها حاکمه و تجربه نشون داده که روبنای سیاسی چنین سیستمی هم نمی تونه به جز دیکتاتوری عریان و عنان گسیخته چیز دیگه ای باشه، باید در رابطه با کشوری مثل ایران تاکید کنم که در اینجا هم مساله آزادی زنان و همچنین کل جامعه، وابسته است به نابودی این نظام و دیکتاتوری ذاتی اون. بنابراین کاملا مشخصه. بذارید تاکید کنم که تجربه مبارزات مردم ما نشون داده که با رژیم دیکتاتوری ای که تنها با زبان زور سخن می گه، جز با زور و قهر انقلابی نمی تونیم سخن بگیم.

بنابراین اون کسای که برای آزادی زنان از مبارزه مسالمت آمیز حرف می زنن عملا زنان مبارز جامعه ما رو به بیراهه و به اصطلاح به آب در هاون کوبیدن دعوت می کنن. در شرایطی که دیکتاتوری ولایت فقیه هر صدای مخالفی رو ما می بینیم که در گلو خفه می کنه و حتی زنائی که در ایران تو چارچوب این رژیم جمهوری اسلامی فعالیت می کنند رو، حتی اون ها رو هم نمی تونه تحمل کنه؛ بنابراین تو چنین جامعه ای اساسا حرف زدن از مبارزات رفرمیستی و مسالمت آمیز، خیلی بی معنی و مسخره ست. در نتیجه اولین قدم برای ایجاد شرایطی که بتونه آزادی و برابری زن و مرد رو در جامعه به مرحله عمل در بیاره، اولین قدم متشکل شدن و سازمان دادن به مبارزه قهرآمیز، انقلابی، توده ای و طولانی مدته. و این امریه که به زنان و مردان طبقات فرودست جامعه امکان می ده که در کنار هم و با اتحاد انقلابی خود شون، راه پیروزی شون رو هموار کنن.

گوینده: بله. دوستان پرسش هایی دارند که من سعی می کنم آنها را بنویسم. برگردیم به پرسش اولی که در باره اتحاد زنان آزادیخواه هست. آیا شما در کشوری که هستید در شهری که هستید ، با تشکلات و جا های دیگه که این نوع کار ها رو می کنند، کار دارید، همکاری دارید با این تشکلات به اصطلاح مدافع زنان ؟

پاسخ: بله. اتفاقاً خیلی مهمه که به خاطر اینکه افکار عمومی کشورهای که توش زندگی می کنیم رو آگاه کنیم نسبت به مسائل جامعه خودمون و شناخت هر چه بیشتر سیستم موجود و رژیم دیکتاتور سرمایه داری وابسته که در ایران حاکمه، این خیلی مهمه که ما ارتباط داشته باشیم با گروه های مترقی. به عنوان مثال در سال ۱۳۸۸ در خیزش انقلابی توده های مردم در ایران، این جا یک توهمی بین حتی روشنفکرانش هم بوجود آمده بود به خاطر تبلیغات وسیعی که رادیو تلویزیون های امپریالیستی در این جا به نفع جناح اصلاح طلب انجام می دادند و به اصطلاح "سبز" رو علم کرده بودن و می خواستن وانمود کنن که این خیزش انقلابی مردم نبوده و یک چیزی به نام "جنبش سبز" است که می خواد رژیم حفظ بشه و تو اون چهارچوب، اصلاحات انجام بده، ما با یک گروهی از زنان ارتباط گرفتیم که زنان چپ و انقلابی هستن، زنان آگاه شیلیایی با اون ها فعالیت می کنن، و از طریق اون ها ما بشون می گفتیم و توضیح می دادیم که چطور مردم ایران خواست اصلی شون ، سرنگونی کل این رژیمه و جز از این راه به آزادی نمی رسن و زن ها به جز سرنگونی این رژیم، به آزادی نمی رسن و این مقوله "سبز" رو که برای سرکوب این خیزش انقلابی امپریالیست ها و رژیم ابداع کرده بودن، جناحی از رژیمه؛ ما این رو افشاء کردیم و بعد من در یکی از سخنرانی هاشون رفتم دیدم که دقیقا حرف های ما رو تو سخنرانی هاشون میگن و باعث شد که بخشی از افکار عمومی اینجا خیلی آگاه بشن نسبت به خواست های اصلی مردم ، که همون شعار "جمهوری اسلامی از هر جناح و دسته نابود باید گردد" بود. این شعار رو ما ترجمه انگلیسی اش رو هم تو مراسم زنان انقلابی بردیم.

گوینده: بله. خیلی ممنون. شما خیلی کوتاه و مختصر و مفید پاسخ می‌دید و من جدا از شما تشکر می‌کنم.

پاسخ: خواهش می‌کنم لطف دارید.

گوینده: صد سال از تاریخی که هشتم مارس به عنوان روز جهانی زن شناخته شده، داره می‌گذره و گذشت. همان طور که می‌دونیم روز جهانی زن در سال ۱۹۱۰ در کنفرانسی که زنان سوسیالیست از کشورهای مختلف جهان در کپنهاگ دانمارک برگزار کرده بودند تعیین شد. این روز صد ساله که داره همین طور هر سال برگزار میشه. در طی یک قرن که گذشت، تحمیل شرایط دهشتباری که سرمایه داری جهانی به طبقه کارگر و بطور طبیعی زنان کارگر و اقشار کم درآمد و فقیر جامعه روا داشته و داره، باعث شده تا زنان، لاجرم با مطالبات طبقاتی و سیاسی بیشتری روبرو شده اند. در ایران و دیگر کشورهای منطقه، ارتجاع مذهبی، خشونت علیه زنان و آپارتاید جنسی رو به فرهنگ رسمی و قانونی جامعه مبدل کرده و در نهایت باید اضافه کنیم که امسال در حالی که پیشواز روز جهانی زن رفتیم که حقوق زنان در جامعه ما نه تنها ارتقا نیافته بلکه در بسیاری زمینه ها شاهد عقب گرد آن ها هم هستیم. فقر، سیه روزی، بیکاری و خارج شدن زنان از گردونه اقتصادی هر روز ابعاد گسترده ای گرفته. به نظر شما راه برون رفت از این شرایط چیه؟ و شما در لابلای صحبت هایتان به خوبی گفتید که جز با قهر انقلابی نمی‌شه از این وحشت سرمایه داری بیرون آمد.

پاسخ: بله درسته. همانطور که خودتون هم تأکید کردید، واقعا راه برون رفت از این شرایط دهشتناک کنونی، اینه که یک مبارزه قاطعانه و قهر آمیز جهت خلاص شدن از شر رژیم ضدخلفی جمهوری اسلامی بر پا بشه. و برای این منظور هم باید از مبارزات گذشته تجربه کسب کرد؛ باید به هیچ یک از این دارو دسته های درونی جمهوری اسلامی دل نبست. باید ضمن اینکه تلاش میشه برای رفع کمبودهای مبارزاتی جاری، در جهت اتحاد هر چه بیشتر زنان و مردان انقلابی هم گام برداشته بشه و سطح مبارزات انقلابی زنان و مبارزات همه توده های مبارز با رژیم رو باید ارتقاء داد؛ باید برای سرنگون کردن رژیم دار و شکنجه قدم برداشت. خُب مسلما این راه مبارزه هم راه همواری نیست، ولی به هر حال تنها راه نجاته. به خصوص در اوضاع احوال کنونی باید به کارگران زن و در واقع به همه کارگر ها گفت که چشم امید هم به هیچ قدرت خارجی نباید بست و آزادی زنان کارگر و همه کارگران، تنها با دست خودشون امکان پذیره.

گوینده: بله، به نظر شما برای رسیدن به آزادی زنان، جدائی دین از دولت و سرنگونی تمامیت رژیم زن ستیز اسلامی، می‌تونه اولین گام رهائی زنان ایران باشه؟

پاسخ: از اونجا که ما می‌دونیم که جمهوری اسلامی مانع اصلی رسیدن به هر گونه آزادی، آزادی هائی که آزادی زن رو هم شامل می‌شه، بنابراین سرنگونی این رژیم، شرط اولیه گام بر داشتن برای رسیدن به آزادیه. اگر مردم ما، و زنان ما، خواهان آزادی و برابری زن و مرد و اصولا همه آزادی های دیگه هستن، تنها در قالب یک سیستم و حاکمیتی واقعا دمکراتیک میشه به این آزادی ها دست پیدا کرد. پس باید جمهوری اسلامی نابود بشه اول. جدایی دین از دولت هم که گفتید، تحت حاکمیت جمهوری اسلامی، نه عملیه و نه امکان پذیر. و به همین دلیل هم برای خلاصی از همه قوانین و مقررات و فرهنگ ارتجاعی اش و دخالت دین در سیاست و فرهنگ ارتجاعی رژیم که جمهوری اسلامی همه اینها رو تبلیغ می‌کنه، قبل از هر چیز باید خود این رژیم بره، و اونم مسلما تنها به قدرت مردم و رهبری کارگران زن و مرد آگاه و مبارز امکان پذیره.

سوال: به نظر شما برخوردی که این رژیم و رژیم های منطقه و رژیم های دیکتاتور دارن، می‌تونه خارج از سیستم جهانی باشه؟

پاسخ: خیر. گفتیم که سیستمی که الان در سطح جهان واقعا حاکمیت می‌کنه سیستم سرمایه داریه. در کشورهای دیگه ای هم مثل مصر و کشورهای جهان سوم و کشورهای منطقه می‌بینید که مردم و زنان چگونه بر علیه سیستم های اون کشور هاشون که سرمایه داری وابسته به امپریالیسم هستن، بلند شدن و مبارزه کردن در نتیجه مبارزات زنان در کشور هائی مثل ایران که سرمایه داری وابسته ست در واقع بر علیه سیستم سرمایه داری جهانی یعنی امپریالیسم هم هست و این ها یک سیستمه.

گوینده: شما به مصر اشاره کردید. یکی از پرسش ها در رابطه با مصر می‌تونه این باشه که شنونده ای تماس گرفتن و پرسیدن در رابطه با کاری که اون دختر جوان در مصر کرد و برهنه شد و در پی آن هنرپیشه ای در بین ایرانیان گلشیفته فراهانی این کار رو کرد

و جدیداً هم تقویمی رو حزب کمونیست کارگری توسط خانم نمازی این کار رو کرده و بیرون داده این شنونده پرسش شون این بود که آیا این می تونه یکی از فاکتورهای اصلی رسیدن به آزادی باشه؟ یا فقط یک اعتراضه؟

پاسخ: فاکتورهای اصلی مبارزه را ما این طوری تعیین می کنیم که ببینیم در واقع مسئله اصلی جامعه ما چیه و راه حل رسیدن به آزادی ها و مطالبات زنان و مردان زحمتکش کشورمون چیه. ما با مسائل مهم و اصلی جامعه برخورد می کنیم. مساله ما اینه که در حال حاضر الان مردم ما با مسائل خیلی مهمی روبرو هستن. خطر حمله امپریالیست ها حمله نظامی آمریکا به ایران هست و این که بالاخره مردم مساله اصلی شون اینه که بالاخره این رژیم کی از بین می ره، چطوری باید از شر جمهوری اسلامی خلاص شد که باعث و بانی تمام این بدبختی های ماست؟ اینها مسائل مهم مردمه و حل این مسئله، حل مساله این رژیم و خطر حمله امپریالیست ها بر علیه مردم ایران اینها با یک مبارزه انقلابی، با اتحاد انقلابی زن ها و مردهای آگاه، طبقه کارگر آگاه و زحمتکشان دیگه جامعه ما، زحمتکشان آگاه، با این ها امکان پذیره. راه حل ها راه حل های مبارزاتی و انقلابیه. تشکل "اتحاد زنان آزادیخواه" هم و غمش این مسائله و مسائل فرعی رو، چیز های دیگه ای رو مطرح کردن، کار ما نیست.

گوینده: خیلی ممنون از شما. باز بر می گردیم به سیستم جهانی که صحبت کردید و به خوبی هم توضیح دادید. ما می دونیم که دو سوم کار جهانی را دارند زنان انجام می دن. اما تنها یک دهم درآمد جهان به زنان اختصاص پیدا می کنه. در واقع ما با استثمار آرامی روبرو هستیم که بر اساس جنسیت، نابرابری، نهادینه شده. چرا در جهان امروز ما با چنین قساوت هائی در حق زنان مواجه می شیم؟ و چرا حکومت ها و نیروهای مرتجع در ایران و در نقاط مختلف جهان، زن ستیزی رو یکی از ارکان های فعالیت های خودشون تبدیل کرده اند؟

پاسخ: زن ستیزی و ستم بر زن و این مساله را باید در رابطه با سیستم طبقاتی ای که حاکم بر جهان، ما بررسی بکنیم. در کشورهای غربی هم سیستم طبقاتی حاکمه و طبقه سرمایه دار قدرت اقتصادی-سیاسی رو تو دست خودش داره. سیستم سرمایه داری جهانی در دوران کنونی، در بالاترین مرحله خودش یعنی در مرحله امپریالیسمه. در این مرحله، سرمایه داری داره دوران پوسیدگی خودش رو طی می کنه. دورانی که سرمایه داری با بحران هایی هر چه عمیق تر روبرو می شه. یکی از شیوه های سرمایه داری برای پاسخگویی به بحران ها و تخفیف ضربات بحران بر طبقه سرمایه دار، اینه که بار بحران ها رو بیندازه روی دوش طبقه کارگر و زحمتکشان دیگه تحت ستم. این کار با ستم مضاعف بر زنان، با کاهش هرچه بیشتر حقوق زنان، با تحمیل کارهای موقت و تحمیل کارهای نیمه وقت به اون ها و وقتی هم که بحران در سطح کنونی، در رابطه با شرایط فعلی می بینیم که بحران به این حد می رسه، کلا با بیکار کردن زن ها، که نیمی از پیکره طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان هستن، میان و این بار بحران های سیستم رو روی دوش طبقه کارگر و زحمتکشان می ندازن و کلا این کار رو با شدت بیشتر و با استفاده از توجیهاتی انجام می دهند که برگرفته از اون فرهنگ زن ستیز طبقه حاکمه. در همین کشورهای غربی، هم حالا احتمالاً شما هم می بینید؛ در کشوری که زندگی می کنید حالا دارن این ساز را کوک می کنن که خانواده هایی که دو نفر توش کار می کنن یعنی هم زن و هم مرد آن کار می کنند و دو تا درآمد دارند، باید در این دوره بحرانی بیابند به اصطلاح "از خود گذشتگی" کنن و زن ها رو اخراج و کارها شون را بدن به مرد هائی که بیکارن. در صورتی که ما می دونیم که واقعیت اینه که اکثر خانواده ها، تو همین کشور هم اکثریت شون اون هائی که زن و مرد هر دو کار می کنن، خانواده های کارگری و زحمتکشند و تو این خانواده ها تنها کار کردن یک نفر، آن هم با حقوق های ناچیز کارگری الان، کفاف مخارج خانواده های کارگری رو نمی ده؛ با این قیمت های سرسام آور که افزایش پیدا کرده و برخی از این خانواده های کارگری تو همین کانادا هم می بینیم که حتی نوجوانان شون هم مجبورند کار کنند تا خرج خانواده در بیاید. بنابراین طبقه سرمایه دار بار بحران را می اندازه بر دوش این خانواده ها. در همین کانادا، اخیراً ماه گذشته تعداد بسیار زیادی کارگر کارخانه های مختلف، زنان کارگر رو اخراج کردن. بنابراین برای اینکه بفهمیم که چرا این روز ها اینقدر فشار به زنان کارگر و زحمتکش بیشتر شده باید بدونیم که سرمایه داری همه جا پنجه افکنده بر تمام دنیا. و چون با بحران بیسابقه ای مواجه شده، همه جا زن ها رو آماج یورش خودش قرار داده. و همین امر، همین مساله، مبارزه برای سرنگونی سرمایه داری سیستم سرمایه داری و هموار کردن راه رسیدن به آزادی زنان رو در مقابل ما قرار داده. به امید اینکه بتونیم ما هم به این نیاز زمان پاسخ شایسته ای بدیم.

گوینده: یکی از پرسش‌ها رفیق سهیلا این است که در حال حاضر حادترین معضل زنان، مشکل زنان در ایران چیه؟ مثلاً حق طلاق، حق حضانت از کودک، اینها معضلاتی هست که هر روز می‌شنویم. به نظر شما کدام یک از اینها، بیشتر زنان را تحت فشار قرار داده در ایران؟

پاسخ: خوب زنان در ایران دو نوع ستم می‌بینند. زنان طبقات کارگر و زنان طبقات زحمتکش و تحت ستم ایران در معرض دو نوع ستم هستند

گوینده: رفیق سهیلا فکر کنم مشکل تلفنی پیدا کردیم ما سعی می‌کنیم که یک بار دیگر مجدداً با شما تماس بگیریم چون صدا نامفهوم.

مرسی

پاسخ: قطع می‌کنم

گوینده: با ما همراه هستید؟

پاسخ: بله بله. مجدداً سلام می‌کنم.

گوینده: بله بفرمائید شما داشتید حادترین معضل خانواده زنان را می‌گفتید.

پاسخ: خوب مسلماً با توجه به صحبت‌هایی که کردیم در رابطه با شرایط ایران، حادترین مسئله زنان در حال حاضر این است که اون ریشه تمام ستم‌هایی که امروز نه تنها به زنان، بلکه به تمام مردم ایران، توده‌های تحت ستم در ایران می‌شه، باید ریشه اون ستم‌ها از میان برداشته بشه. که سیستم سرمایه‌داری وابسته در ایران و رژیم جمهوری اسلامی است. بنابراین حادترین مسئله که الان در مقابل زنان قرار داده، مبارزه برای از بین بردن ریشه همه ستم‌هایی که بهشون میشه، مبارزه برای سرنگونی این رژیم، مبارزه برای از میان برداشتن سیستم سرمایه‌داری وابسته تو جامعه.

گوینده: یعنی شما اعتقاد دارید هرگونه به اصطلاح مشکلاتی که می‌تونیم شمارش بکنیم، همه اینها می‌تواند فقط با سرنگونی تمامیت جمهوری اسلامی برطرف بشه؟

پاسخ: مسلماً هیچ نوع توهمی ما نباید داشته باشیم که تو این رژیم مشکلات زنان حل بشه؛ به هیچ کدام از خواسته‌هاشون زن‌ها برسند. ولی این به این معنا نیست که رسیدن به این خواسته‌ها، هدف نیست. در واقع وقتی که می‌خواید رژیم سرنگون بشه برای چی می‌خواید سرنگون بشه؟ برای این که به آزادی‌هایی که می‌خوان برسند زن‌ها. بتونن آزادی انتخاب پوشش داشته باشن. مساله قوانین خانواده به شکلی باشه که حق زن این طور که الان داده ضایع میشه، یعنی حق حضانت فرزند در زمینه بعد از طلاق، حضانت فرزند رو به زن نمی‌دن؛ اینها همه حل بشه. برای حل کردن این مسائل برای برداشتن این موانع قانونی و غیرقانونی که رژیم به اصطلاح ابداع کرده برای این که زن‌ها رو تحت ستم نگه داره، برای این که همه باید یک زمینه‌ای ایجاد بشه. باید سیستمی سر کار باشه که این خواسته‌های مردم رو پاسخ مثبت بده و عملی بکنه. هر چی هم ما بخوایم بگیریم که مدافع رفرم تو سیستم حقوقی باشیم، مدافع مثلاً رفرم تو سیستم حقوق خانواده باشیم، یا مدافع رفرم در سیستم آموزشی باشیم که زن‌ها و دخترها اجازه داشته باشن که تو هر رشته‌ای و هر زمینه‌ای که می‌خوان تحصیل بکنن و آموزش ببینن، ولی با وجود این جمهوری اسلامی، هیچ کدام از این رفرم‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی امکان پذیر نیست. رفرمیسم رو ما باهش مخالفیم؛ با کسانی مخالفیم که تصور می‌کنن که با حفظ همین رژیم، تو همین رژیم همیشه برای رسیدن به این خواسته‌ها مبارزه کرد و دست یافت به اون‌ها. این رو ما اعتقاد نداریم. یک چنین چیزی غیر ممکنه. ولی برای رفرم کردن تو جامعه، مسلمه وقتی که اولین قدم برای این که به آزادی کامل برسیم، اینه که حداقل آزادی بیان خواستهات رو داشته باشی. ولی تو سیستمی که الان حاکمه، جمهوری اسلامی، زن‌ها حتی حق طرح خواسته‌هاشون را ندارن. مردها هم همین طور. هیچ کس حق طرح خواسته‌هاش رو نداره. مردها، ۶ ماه به ۶ ماه مرد‌های کارگر حقوقشون داده نمی‌شه. زن‌های کارگر ۶ ماه به ۶ ماه حقوقشون داده نمیشه. و وقتی هم می‌رن اعتراض می‌کنن و حقوق خودشون رو می‌خوان، می‌گیرندشون کتک شون می‌زنن. شلاق شون می‌زنن. زندان شون می‌کنن. شما خواستهات رو نمی‌تونن طرح بکنی. حقوق عقب مانده ات رو نمی‌تونن درخواست بکنی. تو این رژیم چطور می‌خوای کوچکترین آزادی رو برای زنان و مردها انتظار داشته باشی، چطور می‌خوای آزادی پوشش رو

بدون اینکه کتک بخوری و شلاق بخوری و بهت توهین بشه، انواع و اقسام توهین ها بهت بشه درخواست بکنی. بنابراین باید راه حل برون رفت از این وضعیت رو پیدا کرد. و اون هم اتحاد مبارزاتی همه اقشار تحت ستم در جامعه است. اتحاد مبارزاتی طبقه کارگر و دیگر طبقات تحت ستم، برای از میان برداشتن این سیستم که سد اصلی و مانع اصلی سر راه ایجاد یک جامعه ای واقعاً دموکراتیک و آزاد تو کشور ماست.

گوینده: بله پرسشی آمد و شما هم در رابطه با مساله رفرمیسم صحبت کردید. یکی از این پرسش ها همون "یک میلیون امضاء" است. آیا به نظر شما پشتوانه این حرکت چی بود و به دنبال چه اهدافی بودند؟ آیا این هم یک حرکت و اعتراض رفرمیستی بود؟
پاسخ: خود دست اندرکاران "کمپین یک میلیون امضاء" همیشه اعلام کرده اند که سر جنگ با این رژیم ندارند. خواهان حفظ این سیستمند. خواهان حفظ سیستم سرمایه داری حاکم بر جامعه هستن. خواهان حفظ جمهوری اسلامی هستن. همیشه خودشون اعلام کرده اند و من نمی دونم چرا بعضی ها که به اصطلاح کاسه از آتش داغ تر، هستن در دفاع از این یک میلیون امضاء می خوان اینو چیزی معرفی بکنن غیر از اون چه خود اون ها دارن اعلام می کنند؟ این مسلمنه که یک حرکتی بود در واقع برای حفظ این رژیم، مرتباً شعار می دادن، شعار هائی می دادن که اسلام اصلاح پذیره، جمهوری اسلامی اصلاح پذیره. و یک حرکت انقلابی نبود، حرکت انقلابی ای که پاسخ اساسی داشته باشه برای حل مشکلات زنان تو جامعه ما نبود.

تحت حاکمیت جمهوری اسلامی، زنان واقعا انقلابی و مبارزه، که خواسته های اصلی زنان طبقات تحت ستم را، زنان طبقه کارگر رو، تو جامعه مطرح می کنن، حق حرف زدن ندارند، حق فعالیت ندارند تو جمهوری اسلامی. جمهوری اسلامی به یک سری از گروه ها و فعالینی اجازه فعالیت سیاسی داده که در چهارچوب حفظ این رژیم فعالیت بکنن، حتی اون ها رو هم البته همیشه تحمل نمی کنه و گاهی اوقات به حرکت های اون ها هم حمله می کنه و می گیردشون و زندانشون می کنه و این نشون میده حد دیکتاتوری این رژیم رو که حتی رفرمیست هایی که برای سرنگونی رژیم حتی شعارش را هم نمیدن، این رژیم باهاشون به چه صورتی برخورد می کنه. ماهیت اینها رو، ماهیت این یک میلیون امضاء رو که بخشی از در واقع خواست های طبقه سرمایه دار رو زنان طبقه سرمایه دار رو مطرح می کنن، ما توی خیزش سال ۸۸ دیدیم. که به حمایت از خیزش انقلابی مردم این ها بلند نشدن چرا چون اون خیزش انقلابی بر علیه خود همین ها بود که بخشی از طبقه سرمایه دار و بخشی از سیستم حاکم رو تشکیل می دن.

گوینده: در سال های اخیر جهان شاهد گسترش مبارزه زنان در سراسر جهان بود. خشم زنان میدان التحریر در مصر، زنان معترض در جنبش جهانی وال استریت که در آن دموکراسی و نظم سرمایه جهانی را زیر سوال بردند، فریاد زنان لیبیایی که قوانین شریعت را نمی خواستند، زنان یونانی که به خیابان آمدند تا نظم اروپای "متحد و آزاد" را به لرزه در بیاورند، چگونه می توانیم از این پتانسیل جهانی برای رهایی زنان و در نهایت رهایی کل بشریت استفاده بکنیم؟

پاسخ: یک گفته ای هست که همه جا می شنویم و اعتقاد داریم بهش. همواره می گیم که هر جا که ظلم هست، مبارزه هم هست. بنابراین چون ظلم بر زنان در جامعه سرمایه داری شدید تره، و عملاً آن ها یعنی زن ها زیر ستم مضاعف هستن، به همین دلیل هم زن ها دلائل بیشتری برای مبارزه برای نابودی این شرایط را دارن. آیا شما سوال می کنید که چطور می تونیم از این پتانسیل استفاده بکنیم؟
گوینده: از این پتانسیل که در جهان ما دیدیم در سطح جنبش زنان می توانیم برای رهایی زنان و به خصوص در رابطه با زنان و مردان استفاده بکنیم این اون کلید به اصطلاح حل مشكله؟

پاسخ: دقیقاً. بله. وقتی که ما پاسخی برای این سوال دنبالش هستیم می بینیم که وظیفه ما وظیفه همه فعالین پیشرو جنبش زنان و همه نیرو های انقلابی اینه که این واقعیت رو درک کنیم که زن ها بیشتر از مرد ها تحت ستم هستن و به همین دلیل هم دلائل بیشتری برای مبارزه دارن و بنابراین با درک این واقعیت، باید تلاش کنیم تا نیروی بنیان کن زنان رو جهت نابودی این نظام استثمارگر هر چه بیشتر به میدون بیاریم و سازماندهی کنیم. اگه یادتون باشه و اگه به حضور وسیع و گسترده زنان در خیزش سال ۸۸ هم توجه کنیم، می بینیم که چطور اجحافات و ظلم و ستم های جمهوری اسلامی زن ها رو در صف اول خیزش قرار داده بود و چطور دختران جوان با جسارت و مقاومت و پایداری خود شون، همه رو به مبارزه دعوت می کردن. همین واقعیت نشون میده که در پاسخ به سوال شما باید گفت که باید انرژی نهفته در اعتراضات زنان رو شناخت و نیروی اون ها رو برای نابودی جمهوری اسلامی هر چه بیشتر سازمان

داد. ما در خیزش مردم در کشورهای عربی هم، برای نمونه در مصر که مثال زدید، ما شاهد حضور گسترده زن ها بودیم و یا در جنبش ۹۹ درصد تو کشور های غربی و هر کجا که توده ها به جنبش بر خاستند و برای مبارزه بلند شدند حضور وسیع و بنیان کن زن ها رو دیدیم. بنابراین در شرایطی که جز با اتحاد انقلابی زن ها و مردان تحت ستم، نمی شه جهان رو از شر دشمنان خلق رها کرد، وظیفه ما هم اینه که دشمن واقعی رو بشناسیم و بشناسونیم و کمبودهای مبارزاتی را رفع کنیم، و قدم به قدم متحدانه در جهت پیروزی انقلاب پیش بریم. بنابراین تنها راه برای نجات و رهایی کل بشریت اینه که، این انرژی نهفته، این انرژی انقلابی را در زن ها بشناسیم و متحدانه با مردان انقلابی، در جهت پیروزی انقلاب به پیش بریم.

گوینده: بله. ما حدودا ۸ دقیقه با شما همراه خواهیم بود. برگردیم به سی و چند سال پیش و بگیریم که عده ای هنوز بر این اعتقادند که زنان ایرانی در این ۳۳ سال یک عقب گرد تاریخی خوردند اون هم پس از به قدرت رسیدن رژیم زن ستیز جمهوری اسلامی و اعتقادشون بر اینه که زنان ایرانی در رژیم پهلوی آزاد و رها بودند مثلا در اون رژیم ما وزیر آموزش و پرورش زن داشتیم و خوب ما می بینیم که در این چند سال اخیر ما وزیر بهداشت زن هم در جمهوری اسلامی داریم. شما این تفاوت ها را آیا حس کردید و فکر می کنید که یک همچنین اتفاقی افتاده؟

پاسخ: نه. به هیچ وجه. رژیم پهلوی و رژیم جمهوری اسلامی ماهیتاً تفاوتی با هم نداشتن و ندارند. هر دو تاشون رژیم های سرمایه داری وابسته، رژیم هایی ضد خلقی و رژیم های ارتجاعی بودن و هستند که در قساوت و جنایت هم مردم ما به روشنی می بینند که این ها دست کمی از هم نداشتن تنها تفاوت شان در حد و کمیت جنایت هاشونه نه در مخالفتشان با نفس جنایت. و در رابطه با زنان هم، فرودست نگاه داشتن زن ها و سود بردن از ستم بر زن ها، توسط طبقه سرمایه دار حاکم در هر دو رژیم، این، یک اصل بوده. این یک شیوه ای بوده و هست برای حفظ سیستم. در زمان شاه هم به عنوان مثال، قوانین خانواده خیلی ارتجاعی بود؛ ماهیت مذهبی و ارتجاعی داشت. شاه فرهنگ ارتجاعی ضد زن رو گسترش داده بود. در آن زمان هم، حتی مزد و حقوق زن ها کمتر از مرد ها بود و ستم جنسیتی هم که اساسا به نفع طبقه سرمایه دار حاکمه، اون زمان هم رواج داشت، زن در اون موقع هم شهروند درجه ۲ بود و اسیر یک فرهنگی ارتجاعی بود. آن چه که در ظاهر می بینیم، اون تفاوت های ظاهری این دو رژیمه که هر دو حافظ نظام سرمایه داری اند. تفاوت شون در ابعاد سرکوب و کشتاره و حد زن ستیزی شونه. بعد تازه دلیل این که ما می بینیم این ها شدت و ابعاد زن ستیزی شون متفاوت و ستم بر زنان در جمهوری اسلامی بیشتره، به این دلیل که در سال ۵۷ یک انقلابی شد. زنان و مردان آگاه خلق، توی این جامعه به یک انقلاب بزرگی دست زدند برای قطع سلطه امپریالیسم و برای سرنگون کردن سیستم سرمایه داری وابسته. و زنان آگاه و جوانی آمدن بطور گسترده در انقلاب ۵۷ شرکت کردن. برای اینکه آزادی و برابری به دست بیارن. و اتفاقا برای سرکوب این توده های انقلابی و برای سرکوب این پیشگامان آگاه خلق و این جوان های آگاه خلق و برای کشاندن این انقلاب به شکست و شکست دادن این انقلاب بود که جمهوری اسلامی با حمایت و طرح و نقشه امپریالیست ها آمد و بر اریکه قدرت نشونده شد. و جامعه ای که انقلاب ۵۷ را شروع کرده بود، و بخصوص زنان انقلابی در اون، اصلا دست از مقاومت برنداشتند؛ در مقابله با این رژیمی که امپریالیست ها سرکار آورده بودن، مقاومت کردن مبارزه کردن زن های ما، تا جایی که امروز هم در جامعه ما، زنان روز به روز آگاه تر می شوند، شجاع تر می شوند، مقاوم تر می شوند، و در نتیجه برای سرکوب این همه شجاعت این همه مقاومت و این همه آگاهی که جمهوری اسلامی امروز بیشتر و وحشیانه تر از رژیم شاه عمل می کنه. این تفاوت این حد سرکوب به خاطر اینه که مردم آگاه تر شدن، زن ها آگاه تر شدن، مبارز تر شدن و زنان طبقات فرودست هم هر چه بیشتر و بیشتر آمدن تو صحنه مبارزه با این رژیم. و جمهوری اسلامی هم دقیقا برای کنترل و سرکوب اون هاست که به سیاستهای زن ستیزانه اش اضافه کرده و اون ها رو هر چه بیشتر و عریان تر و وحشیانه تر اعمال می کنه. بنابراین، واقعیت اینه که ابعاد مبارزه در سطح جامعه در زمان جمهوری اسلامی نسبت به زمان شاه گسترده تر شده، در نتیجه شکل و شدت سرکوب مردم و سرکوب زنان هم توسط این رژیم گسترده تر شده. این به آن معنا نیست که این رژیم و رژیم شاه فرقی با هم می کنند از نظر ماهیت.

گوینده: بله. ما گفتیم، و باز هم خواهیم گفت که در یک جامعه ی طبقاتی، سیستم فشار طبقاتی و تبعیض، امری ضروری و اجتناب ناپذیره و تا آن هنگامی که نابرابری طبقاتی وجود داره هرگز نمی توانیم به تساوی حقوق زنان و مردان دست پیدا بکنیم چون تجربه

نشان داده که لازمه حفظ سیستم طبقاتی، حفظ نابرابری زنان و مردانه. رفیق سهیلا، در پایان فقط با همون گفته خودتان که جز قهر انقلابی، راه دیگری نیست، به شعار و صحبت رفیق اشرف دهقانی که در روز زن گفت "ما زن و مرد جنگیم، جنگ تا بجنگیم"، چگونه می توانیم این را در میان زنان و مردان بیشتر و به اصطلاح بیشتر ببریم و آن ها را به یک قهر انقلابی و سرنگونی تمامیت جمهوری اسلامی رهنمود بکنیم؟

پاسخ: اساساً با شناخت اینکه دشمن واقعی زنان و مردان زحمتکش و تحت ستم در این جامعه، زنان و مردان کارگر در این جامعه، کیه و چی هست؛ با شناخت اون دشمن اصلی می توانیم تلاش برای از میان برداشتن اون و رسیدن به یک جامعه واقعاً آزاد و دمکراتیک را در کنار هم متحدانه به پیش ببریم. بنابراین وقتی که ما می دونیم که زن ستیزی و ستم بر زن، با ظهور مالکیت خصوصی و آغاز جامعه طبقاتی شروع شد، وقتی می دانیم که سیستم سرمایه داری که همه جهان رو تحت کنترل خودش در آورده، این سیستمه که دشمن اصلی زن ها و مردهاست، بنابراین اتحاد مبارزاتی زنان و مردان آگاه باید در جهت مبارزه برای از میان برداشتن این نظام ضدخلق باشه. و با این شناخته با افزایش این آگاهی و این تلاش های انقلابیه که میشه برای ایجاد یک جامعه واقعاً دمکراتیکی که زمینه رو برای رفع همه ستم ها و همه ظلم های موجود ایجاد بکنه، قدم برداریم. ما هم به همین دلیل که در اتحاد زنان آزادیخواه همیشه بر اتحاد زنان و مردان کارگر و انقلابی برای نابودی این شرایط نکبت بار تأکید کردیم و تأکید می کنیم، و از ملزومات مبارزاتی، منجمله تلاش برای رشد آگاهی و اتحاد مبارزاتی زن ها و مردها برای سرنگونی سیستم ظالمانه موجود حمایت می کنیم و تلاش می کنیم.

گوینده: مرسی از اینکه با ما همراه بودید. اگر صحبت پایانی دارید، دو دقیقه ای ما با شما همراه هستیم وقت دارم.

پاسخ: می خواستم ازتون تشکر بکنم که این مصاحبه را ترتیب دادید. از شنوندگان تون هم تشکر می کنم برای سوال هائی که داشتند و از شنوندگان عزیز تون تقاضا می کنم که برای آشنائی بیشتر با نظرات تشکل "اتحاد زنان آزادیخواه"، به سایت چریک های فدایی خلق بخش زنانش می تونن رجوع کنن. بخشی از نوشته های ما، سخنرانی های ما اونجا گذاشته شده. سایت سیاهکل دات کام (siahk.com) و کتاب جدیدی از رفیق اشرف دهقانی منتشر شده در رابطه با بررسی شرایط زنان کارگر، که می تونن مراجعه بکنن. مطالعه بکنن این کتاب رو. و مسلماً بسیاری از سوال هائی که مطرح هست در ذهن همه می تونه با مطالعه هر چه بیشتر، با گفتگوی هر چه بیشتر با هم دیگر، پاسخ داده بشه. و مشتاقم که زنان رو با دیدگاه های مختلفشون ما بتونیم در مراسم های مختلفی که داریم، ببینیم و ملاقات کنیم و در پرسش و پاسخ ها تلاش کنیم که بیشتر با نظرات یکدیگر آشنا بشیم. خیلی هم از شما هم سپاسگذارم برای این برنامه بسیار مفید و آگاهی دهنده تون.

سوال: خواهش می کنم به عنوان پرسش سریع این رو دارم که آیا "اتحاد زنان آزادیخواه" در کشورهای دیگر هم هست و میشه با شون در تماس بود؟

پاسخ: بله ما فعالین متعددی در کشورهای مختلف اروپا داریم. در انگلستان، در هلند، در سوئد. برنامه ای هم داشتیم یک مراسمی هم داشتیم چند سال پیش در هلند به دعوت میز کتاب هلند ما اونجا رفتیم و با تعدادی از زنان فعال و آگاه اونجا آشنا شدیم و به تعداد آشناها و دوستان اطراف این تشکل افزوده شد. در آمریکا هم هستند رفقا و فعالین این تشکل. و امیدواریم که بتوانیم سایتی رو در آینده ایجاد بکنیم که بتونیم راحت تر با همه زنان فعال در جنبش زنان تماس داشته باشیم.

گوینده: خیلی ممنون موفق باشید رفیق سهیلا برای شما و رفقای اتحاد زنان آزادیخواه آرزوی موفقیت می کنم.

پاسخ: خیلی ممنون از شما و بی نهایت سپاسگذارم.